

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

بررسی و مقایسه‌ی راست‌گرایان افراطی و نقش آنها در دو قسمت شرقی و غربی آلمان

آلمانی شرقی به خصوص در میان جوانان آن هم به صورت تجاوز و تخطی، حملات وحشیانه به گروه‌های مشخصی از خارجی‌ها و راه‌پیمایی‌های دسته‌جمعی در خیابان‌ها و اماکن عمومی آن هم بعد از نیم قرن حکومت سوسیالیستی، افکار عمومی را به یکباره و به طور غیرمنتظره چنان متوجه خود ساخت که دولت وقت می‌بایست برای حفظ آبرو و حیثیت سیاسی و اجتماعی آلمان در انظار بین‌الملل به فکر چاره‌اندیشی می‌افتاد. برای ارزیابی قدرت کشش افکار راست‌گرایانه در بین مردم آلمان، احتیاج مبرم به تحقیق درباره‌ی طرز تفکر و سنجش معیارها بود. طرح سوالاتی

از زمان فروپاشی دیوار برلین^۱ در آبان ۱۳۶۸ (نوامبر ۱۹۸۹) چهره‌ی ظاهری راست‌گرایان افراطی در هر دو قسمت آلمان چه غربی و چه شرقی به یکباره تغییر کرد. در آلمان غربی تمایل به راست‌گرایی رو به کاهش گذارد، چون با اتحاد دو آلمان یکی از خواسته‌های اولیه و دیرینه‌ی آنها که همان اتحاد دو کشور و خارج شدن قسمت شرق از زیر سلطه‌ی روسیه‌ی شوروی بود، معنی و مفهوم واقعی خود را از دست داد. ولی آن چه که قابل یادآوری می‌باشد، این است که این کاهش در حقیقت فقط می‌توانست برای مدت کوتاهی دوام داشته باشد، چون علل اولیه و اصلی که باعث رونق و شکوفایی احزاب راست‌گرا در اواسط دهه‌ی ۸۰ میلادی در آلمان غربی شده بود، هنوز هم وجود داشتند.

افزایش گرایش‌های دست راستی در

۱. دیوار برلین و دیوار آلمان را در اوایل دهه‌ی ۶۰ میلادی در اوج جنگ سرد، آلمان شرقی‌ها و روس‌ها ساختند که در نوامبر سال ۱۹۸۹ فرو پاشید.

تمام آلمان مطرح نمود.

در این مقاله سعی خواهد شد، عواملی را که باعث ظهور و رونق راست‌گرایی در آلمان شرقی و غربی شده‌اند، مورد بحث و گفت‌وگو قرار گیرد.

قابل ذکر است که در آلمان غربی و شرقی بعد از پایان جنگ دوم به وجود آمدند. قسمت غربی تحت کنترل آمریکا، انگلیس، فرانسه، بلژیک و هلند قرار گرفت و قسمت شرقی تحت کنترل شوروی بود. در سال ۱۹۴۹ بخش غربی به «جمهوری فدرال آلمان» موسوم شد و در ظاهر به عنوان یک دولت و کشور مستقل موجودیت پیدا کرد. هم چنین یک سال بعد از این تاریخ در سال ۱۹۵۰ آلمان شرقی به عنوان «جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی آلمان» شروع به فعالیت نمود. این موضوع که نژادپرستی چه نقشی برای توضیح راست‌گرایی بازی می‌کند، موضوعی است که باید به طور کامل بررسی شود.

بررسی علل و عوامل راست‌گرایی در آلمان غربی

الف) عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی عبارتند از تک‌تک مسایل اجتماعی مثل کمبود مسکن، تهدید بیکاری، جریان‌ها و تحولات اجتماعی و توأم با آن از بسین رفتن محیط‌های اجتماعی و

مانند، طرز تفکر راست‌گرایانه در هر دو کشور آلمان تا چه اندازه است؟ نژادپرستی چه نقشی را برای تشریح و توصیف راست‌گرایی بازی می‌کند؟ برای بررسی‌کنندگان مسایل حایز اهمیت بود. چون تا آن زمان بر عکس آلمان غربی که دارای فرضیه‌های گوناگونی درباره‌ی علل اجتماعی، روانی، اقتصادی و سیاسی راست‌گرایی بود در آلمان شرقی هنوز اطلاعات کافی و دقیقی در این باره وجود نداشت و استفاده از فرضیه‌ها هنوز مراحل اولیه را طی می‌کرد و درباره‌ی مسایل مربوط به راست‌گرایی تا پاییز ۱۹۸۹ (آبان ۱۳۶۸) یا سکوت مطلق وجود داشت و یا این که یک طرفه و از دید ایدئولوژیست‌های سوسیالیستی دولتی مورد قضاوت قرار می‌گرفتند.

تدوین و مقایسه‌ی فرضیه‌ها به ما کمک می‌کنند تا بتوانیم با عوامل مختص آلمان شرقی و علل رشد افکار راست‌گرایانه در آنجا آشنا شویم. این آشنایی امکان برخوردار صحیح و جلوگیری بهتر توسعه‌ی افکار راست‌گرایانه را در آینده میسر می‌سازد. به علاوه تجزیه و تحلیل نکات مشترک و اختلاف‌های عوامل مؤثر می‌تواند اطلاعاتی در اختیار ما قرار بدهند که تا چه حد می‌توان فرضیه‌های موجود در آلمان غربی را در آلمان شرقی پیاده کرد و شاید بتوان با استفاده از نتایج این تجزیه و تحلیل‌ها نظریه‌ی کامل‌تری در رابطه با جنبه‌های راست‌گرایی در

تمایل به فردگرایی.

نمی‌تواند برای افزایش راست‌گرایان دلیل اصولی و اولیه باشد. نگاهی به طیف طرفداران حزب جمهوری‌خواه بیانگر این مطلب است که درآمد و داشتن مسکن، آنها را تنها کمی از بقیه‌ی افراد اجتماع جدا می‌سازد. به این دلیل به نظر می‌رسد که شکل محرومیت نسبی تأثیر بیشتری داشته‌باشد. پروفیسور دکتر اشتوس^۱ یکی از مشهورترین محققان دانشگاه برلین غربی این حالت را به صورت زیر تجزیه و تحلیل می‌کند.

به نظر او محرومیت نسبی در مراکز خدماتی و نواحی شهرنشین که با صنایع مدرن پیشرفته‌ی اقتصادی، تحول شدید اقتصادی و حرکت زیاد و کمبود با وابستگی محیط مشخص شده‌اند، انعکاس بیش از حدی پیدا می‌کند. طرفداران حزب جمهوری‌خواه در حقیقت از سود برندگان این سیاست به شمار نمی‌آیند بلکه جزء یک سوم اجتماع محسوب می‌شوند.

۲. پدیده‌های بحران اجتماعی

باید گفت مسایل مختلف اجتماعی از قبیل کمبود محل سکونت مناسب و یا محل نگهداری در کودکانها در مقابل پدیده‌های بحران اقتصادی اهمیت بیشتری دارند. تصمیمات سیاسی و اجتماعی دولت لیبرال و

عوامل اقتصادی

عوامل عمده‌ی اقتصادی عبارتند از: بحران اقتصادی که به شکل محرومیت مطلق، بیکاری و فقر ظاهر می‌گردد، علاوه بر آن نیز محرومیت نسبی که نه بر اثر کمبود مطلق بلکه از مقایسه‌ی وضعیت و جنبه‌های شخصی و گروه‌های دیگر اجتماع به وجود می‌آید.

۱. صنعتی‌شدن و اجتماع دو سومی (۲/۳)

به طور کلی می‌توان از یک بحران اقتصادی در آلمان غربی و آن هم فقط در بعضی از بخش‌های اقتصادی، صحبت کرد. فاصله‌ی بخش‌هایی که در حال رشد سریع اقتصادی می‌باشد، مثل شیمی، مؤسسات خدماتی، صنعت ارتباطات، بانک‌ها و غیره، با بخش‌هایی که گرفتار بحران اقتصادی شده‌اند، تحول ساخت اقتصادی را که همراه با مدرنیزه شدن است، نشان می‌دهد و این خود توأم با از بین رفتن محل کار، حتی در بخش‌هایی با رشد کامل اقتصادی می‌باشد.

اجتماع دو سومی یعنی تأمین نسبی محل کار، بهزیستی و مادی برای دو سوم مردم یک اجتماع و بیکاری دایم، فقر و محرومیت برای یک سوم مابقی همراه با افزایش فاصله بین این دو گروه. به طور کلی بیکاری و فقر

1. Professor Dr Stoss

راست‌گرای افراطی، روش موفقیت‌آمیزی در طرد بیگانگی سیاسی باشد. انتخاب حزب جمهوری‌خواه به عنوان یک حربه‌ی سیاسی شناخته می‌شود، برای این که بتوان در چارچوب قوانین و به رسمیت شناخته شدن سیاسی و با حداکثر پیروزی به تظاهرات پرداخت. روی این اصل رأی‌دهندگان به جمهوری‌خواهان، نارضایتی خود را با این نحو آزادی نشان می‌دهند، بدون این که نظام را کلاً رد کنند.

بررسی مؤسسات تحقیقاتی در آلمان بیانگر این نتیجه است که انگیزه‌ی تظاهرات نزد سوال شوندگان یکسان است، ولی نباید این برخورد را بدون در نظر گرفتن محتوای سیاسی بررسی نمود. حتی می‌توان گفت سؤال شونده با رأی خود به احزاب راست‌گرای افراطی نه تنها اعتراض خود را به احزاب بزرگ نشان می‌دهند، بلکه بر مخالفت خود با حضور خارجی‌ها در آلمان تأکید می‌کنند.

۳-۱ طرز فکر راست‌گرایان و نقش نژادپرستی

شناخت معیار طرز فکر راست‌گرایان در بین مردم آلمان شرط اولیه برای تشخیص و تعیین پیروزی احزاب راست‌گرا است. بررسی تمایل به راست در بین مردم آلمان نشان می‌دهد که این پدیده به دلیل این که طرفداران آن خود را به حزب راست‌گرایان متعلق بدانند وجود ندارد

محافظه‌کار سابق، مثل اصلاحات بهداشتی، مالیاتی و بقیه‌ی قوانین صرفه‌جویی نشان‌دهنده‌ی یک دولت ناعادل می‌باشد که با رأی دادن به حزب جمهوری‌خواه و یا دیگر راست‌گرایان افراطی علیه آن انتقاد می‌شود. مسبب این وضع بداجتماعی را طرفداران حزب جمهوری‌خواه، مهاجرین، پناهندگان سیاسی، جنگ‌زدگان و آلمانی‌های مقیم اروپای شرقی می‌دانند. به علاوه وضع نابسامان اجتماعی تمایل به راست‌گرایان را هم تشدید می‌کند. در محله‌های فقیرنشین شهرهای بزرگ مناسبات مسکونی که با کمبود روابط اجتماعی و نبود تفریحات سالم و امکانات فرهنگی همراه است، باعث به وجود آمدن مشکلات خانوادگی و فرار جوانان به دامن گروه‌هایی می‌گردند که طرز فکر اولیگارش‌ی (سختن رفع مسؤلیت در تصمیم‌گیری از جوانان) دارند.

۳. عوامل سیاسی

از بین رفتن اعتماد به نظام سیاسی و احساسات فردی، نسبت به از دست دادن تأثیر داشتن در تصمیمات سیاسی، باعث رد مؤسسات دموکراتیک و جریانات آنها می‌باشد. احزاب و کادر رهبری در بن پایتخت آلمان، به عنوان اشخاص از خود راضی و دور از واقعیت احتیاج مردم را در نظر نمی‌آورند. به نظر می‌رسد که انتخاب یک حزب

بررسی علل و عوامل راست‌گرایی در آلمان شرقی

در سال ۱۹۸۷ روحانیون کلیسای پروتستان در آلمان شرقی نگرانی خود را در مورد نمایش قتل عام یهودیان توسط جوانان و تبعیض‌های ضدخارجی ابراز نمودند. از اواسط دهه‌ی ۸۰ میلادی گروه‌های راست‌گرا در بعضی از قسمت‌های فرهنگی شروع به فعالیت بیشتری نمودند. اواخر دهه‌ی ۷۰ و اوایل دهه‌ی ۸۰ میلادی پدیده‌ی اسکین هد^۳ (یک گروه دست‌راستی) در آلمان شرقی به وجود آمد و به موجب بررسی مؤسسه‌ی تحقیقاتی درباره‌ی جوانان در شهر لایپزیک آلمان شرقی بین صفر تا یک درصد از سؤال شوندگان جوانان خود را جزو اسکین هد می‌دانستند و ۲ تا ۵ درصد خود را با آنها هم عقیده می‌دانستند، ۲۵ تا ۳۱ درصد می‌توانستند آنها را درک کنند و تقریباً ۶۵ تا ۷۲ درصد هم اسکین هد را رد می‌کردند. در اینجا سنی می‌شود عواملی را که باعث رونق و ارزیابی راست‌گرایی در آلمان شرقی شده‌اند مورد بررسی قرار داد.

و باید این مسأله را در نظر گرفت که بخشی از مردم فقط به بعضی از اندیشه‌های راست‌گرایان توجه دارند و این را می‌توان این چنین توصیف کرد که آنها پلی بین سازمان راست‌گرایان و توده‌ی رأی‌دهندگان به وجود می‌آورند.

مؤسسه امید^۱ در یک آمارگیری که در سال ۱۹۸۹ انجام داد، مشخص نمود که ۱۴ درصد بزرگسالان آلمان نظر بسیار مثبتی درباره‌ی هیتلر دارند و از این بررسی می‌توان گفت، تحقیقی را که مؤسسه سینوس^۲ در اوایل دهه‌ی ۸۰ انجام داد، این نظریه را تأیید می‌کرد. تحقیق درباره‌ی نشانه‌های ساخت اجتماعی در بررسی مؤسسه‌ی سینوس نشان می‌دهد که از نظر طرز فکر راست‌گرایانه میان زن و مرد و هم‌چنین بین افراد مذاهب مختلف تفاوت بسیار جزئی وجود دارد. این تحقیق نشان می‌دهد که تمایل به راست‌گرایی بین افرادی که دارای معلومات بالاتری هستند، کمتر است. هم‌چنین ساختار شغلی هم اختلاف‌های بسیاری را نشان می‌داد. مثلاً کشاورزان، آنهایی که دارای شغل مستقل و یا شغل دولتی هستند و هم‌چنین در کارگران تمایل به راست وجود دارد، برعکس اعضای سندیکاها به خصوص جوانان تمایلی به راست ندارند.

1. Emnid- Institut
2. Sinus- Institut
3. Skinheadgruggen

دنبال یک هویت برای خود است. با این وجود این سؤال مطرح می‌گردد که آیا تحول اجتماعی و منزوی شدن را می‌توان، در اجتماع آلمان شرقی پیاده کرد. تحقیقاتی که پس از فروپاشی آلمان شرقی روی داده، این نتیجه را آشکار ساخته است که بیگانگی میان افراد آلمان شرقی بیشتر منعکس‌کننده‌ی از هم پاشیدگی نظام قبلی است تا اثر شرایط اجتماعی جدید.

زندگی روزمره‌ی مردم آلمان شرقی با مشکلات اجتماعی و اقتصادی همراه است که نتیجه‌ی کمبود (نقص) اقتصاد سوسیالیستی می‌باشد. این مشکلات شامل کمبود عرضه‌ی کالا، امکان خرید کالای غربی تنها برای کسی که ارز داشت، بخش تولید خراب و نابسامان، کمبود مواد لازم برای بخش تولید، هم‌چنین از بین رفتن محیط‌زیست و خرابی محلات است. لهستانی‌هایی که کالاهای پارانه‌ی آلمان شرقی را در مناطق مرزی می‌خریدند و ویتمامی‌هایی که تعدادی دوچرخه و یا ماشین خیاطی و موتور به کشور خودشان می‌بردند، به طور کلی باعث کمبود اجناس در آلمان شرقی می‌شدند. دانشجویان خارجی به چشم مردم آلمان شرقی به علت داشتن ارز خارجی، جز طبقه‌ی بالا به حساب می‌آمدند. علاوه بر وضع بد اجتماعی جوانان در

الف) عوامل اجتماعی و اقتصادی در آلمان شرقی به طور کلی، جوانان بازیگران صحنه‌ی راست‌گرایی در آلمان شرقی می‌باشند. این امر نشان می‌دهد که راست‌گرایی در آلمان شرقی نه فقط باقی‌مانده‌ی طرز فکر نازی است، بلکه با جریان‌های کنونی اجتماع در آلمان شرقی رابطه‌ی مستقیم دارند.

این موضوع که رابطه‌ی مستقیم میان تمایل به تحولات اجتماعی و پیشرفت راست‌گرایی در آلمان شرقی و جریان‌های اجتماعی در شرق و غرب وجود دارد، انکارناپذیر است. به طور کلی، راست‌گرایی زاییده‌ی یک جریان بیگانگی در اجتماع‌های مدرن صنعتی است که می‌توان گفت به نظام اجتماعی بستگی ندارد. نوع جدید زندگی و تمایل به از هم پاشیدگی خانواده و هم‌چنین علایم از هم پاشیدگی ساخت اجتماع و روابط اجتماعی در بخش‌های خصوصی و در محل کار روبه افزایش است. تمایل به انزوا به خصوص در مورد محل سکونت در شهرهای بزرگ در حال رشد سریع است. برخی از بررسی‌کنندگان، شکل محله‌های خارج از شهر را باعث رونق گروه‌هایی مثل اسکین هد (کچل‌های راست نژادپرست) می‌دانند. به همین دلیل به وجود آمدن راست‌گرایی، نشان می‌دهد که راست‌گرا

اکثریت را در بر می‌گرفت به وجود آمدند. این اولین اقدامی بود که جوانان سعی می‌کردند از حالت صنف سیاسی و دخالت نداشتن در مسایل مملکتی خارج شوند. متعلق بودن به جوانان راست‌گرا برابر بود با اظهار یک برخورد سرسختانه با حکومت وقت.

این امر که تا چه حد با آغاز ظهور گروه جوانان دست‌راستی، طرز فکر کاملاً راست‌گرایانه پدید آمد، قابل بررسی است. نظر پروفیسور گون هیلد کورفس^۱ این است که در ابتدا گروه‌های اسکین هد دارای طرز فکر راست‌گرایانه و هدف‌های به خصوص سیاسی نبودند. طبق تحقیقاتی که این اواخر صورت گرفته از سال ۸۷-۱۹۸۶ این گروه‌ها شروع به سیاسی شدن نمودند و دارای شبکه‌های مختلف در چارچوب پدیده‌ی راست‌گرایی گردیدند.

ضد یهودیت

در سال ۱۹۸۳ نویسنده‌ی معروف آلمان شرقی اشتفان هیم^۲ به وجود تمایلات ضدیهودی هشدار داد. با این وجود، طبق آمارهای که پس از وحدت آلمان غربی و شرقی با

آلمان شرقی، نبود تفریحات سالم و امکانات فرهنگی، زندگی روزمره‌ی آنها را تعیین می‌کرد. افزایش احتیاجات فردی و امکان استفاده از تفریحات سالم خارج از امکاناتی که دولت به جوانان می‌داد، باعث ازدیاد ناراضی‌های میان جوانان بود.

این موضوع که تا چه حد تحقیقات قبل از فروپاشی دیوار برلین می‌تواند در بررسی تمایل به راست‌گرایی میان جوانان مورد استفاده قرار گیرند، کاملاً مشخص نیست. کشور هلند، در تجزیه و تحلیلی که از پرونده‌ی جوانان محکوم شده، به این نتیجه رسید که این جوانان به طبقاتی که وضع اقتصادی نابسامانی دارند، متعلق نیستند. اسکین هد و سایر این گروه‌ها بیشتر مخالف خارجی هستند تا طرفدار احزاب لیبرالیسم و سوسیالیسم.

ب) عوامل میاسی

طرز تفکر راست‌گرایانه به عنوان اعتراض از اواخر دهه‌ی ۷۰ میلادی و به خصوص از اواسط دهه‌ی ۸۰ میلادی گرایش بخش‌هایی از نسل جوان در آلمان شرقی به نظام سیاسی آن مملکت روبه کاهش نهاد. به علت این کاهش، گرایش شکل‌های مختلف برخورد و اعتراض اقلیت ناراضی با نظام سیاسی که

1. Gunhild Korfes

2. Stephan Heym

شرقی کاملاً تغییر کرد. ولی با این وجود، دولت آلمان شرقی در سیاست خارجی خود یک روش ضداسرائیلی را تعقیب می‌کرد و سیاست داخلی آن توأم با شعارهای ضدصهیونیستی بود. این برداشت به نفی یهود که گاهی تا حد یکسان دانستن صهیونیست و فاشیست می‌رسید، تنفر و انزجار ضدیهودی بر جای می‌گذاشت. پترهانگمن^۲ به طور کلی وضع را این چنین تشریح می‌کند: در آلمان شرقی ضدیت با یهود به عنوان یک پدیده‌ی سیاسی با یهودیان از بین رفته است. کمبود بحث و گفت‌وگو درباره‌ی گذشته افکار مبهم و گنگی را در ذهن مردم باقی گذاشته است.

جو کلی سیاسی بیشتر ضدصهیونیست است. این که تا چه حد می‌توان در این ضدیت با صهیونیسم، یهودیت هم برقرار ساخت، کاری دشوار است. به علت برداشت ناچیز از ضدیهودیت میان مردم، محققین بزرگ ارلانگر^۳ عقیده دارند که سیاست ضداسرائیلی دولت روی طرز فکر مردم اثر بسیار کمی گذاشته است. البته به این نتیجه‌گیری باید با شک و تردید نگاه کرد، با این وجود چون مردم آلمان شرقی میان

یک‌دیگر انجام شده‌است، مردم آلمان شرقی در مقایسه با آلمان غربی در مقابل یهود خیلی بهتر فکر می‌کنند. یک بررسی همه‌جانبه درباره‌ی موضوع ضدیهودیت در آلمان شرقی که در دانشگاه نورنبرگ-ارلانگر^۱ به عمل آمد، مشخص ساخت که تقریباً چهار پنجم ساکنین آلمان شرقی سابق کاملاً و یا تا اندازه‌ی بدون تعصب با این مسأله برخورد می‌کنند.

مهم‌ترین دوره‌ی سیاست ضدیهود در آلمان شرقی اوایل دهه‌ی ۵۰ و در رابطه با سیاست استالین در تعصب نسبت به یهودیان در روسیه و دادگاه‌های ساختگی در اکثر کشورهای اروپای شرقی بود. شورای مرکزی حزب سوسیالیست آلمان شرقی، صهیونیست‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یهودیان را عامل امپریالیسم آمریکا می‌دانست و نظرش این بود که صهیونیست‌ها در کشورهای سوسیالیستی به نفع آمریکا جاسوسی می‌کنند.

رؤسای انجمن‌های یهودی در آلمان شرقی بازپرسی می‌شدند و از آنها می‌خواستند که زیر بیانیه‌ی را امضا کنند که در این بیانیه سازمان بین‌المللی یهودیان به عنوان یک سازمان جاسوسی آمریکا شناخته شد، صهیونیست را با فاشیست برابر می‌دانست. بعد از مرگ استالین از اواسط ماه ژوئن ۱۹۵۳ سیاست دولت آلمان

1. Erlanger- Nurnberg

2. Peter Hongmann

3. Eelanger

دهه‌ی ۶۰ میلادی حزب NDP (حزب ملی‌گرای آلمان غربی) را از لحاظ نظریه‌های سیاسی، می‌توان آن را دنباله‌رو حزب فاشیستی، نازیستی هیتلر دانست. این حزب در سال ۱۹۶۶ توانست با رأی مردم وارد مجلس آلمان غربی شود.

سایر احزاب راست‌گرا از جمله RPS (حزب جمهوری‌خواه) و DVU (حزب همبستگی مردم) در اوایل دهه‌ی ۸۰ میلادی شروع به فعالیت کردند و از اواسط همان دهه با در نظر گرفتن مشکلات اجتماعی مردم آلمان غربی و استفاده از شعارهای ملی‌گرایی، مردم را به سوی خود جلب نمودند. این شعارها عبارت بودند از: «کار برای آلمانی‌ها»، «خارجی گم شو از آلمان» «سرمایه‌ی آلمان نباید در دست خارجی‌ها باشد»، «آلمان از خارجی‌ها پر شده و ما آلمانی‌ها در خانه‌ی خود خارجی هستیم» «خارجی‌ها دزد، تبه‌کار، شاید و قاچاقچی هستند» و «آلمان نمی‌تواند مشکلات جهان سوم از جمله گرسنگی، بیکاری و جنگ‌زدگی را به تنهایی حل کند» و شعارهایی که نژاد آلمانی را بر همه ترجیح می‌داد و از همه بزرگ‌تر قلمداد و تبلیغ می‌کرد، به طوری که شعارها و تبلیغات این احزاب باعث پیروزی آنان در انتخابات اکثر استانداری‌ها، شهرداری‌ها و بخشداری‌های آلمان گردید تا جایی که در چندین استانداری،

یهود و اسرائیل کاملاً واضح فرق می‌گذارد. آنان، اسرائیلی‌ها را کاملاً بدون چون و چرا رد می‌کنند.

نتیجه‌گیری

پس از شکست آلمان در جنگ جهانی دوم، تقسیم این کشور به منطقه‌ی نفوذ آمریکا و شوروی، سیاستمداران این دو کشور در چارچوب امکانات تعیین شده از سوی متفقین شروع به سازماندهی و ساختن دو کشور جدید نمودند. هریک از این دو منطقه وجود فاشیست و نژادپرستی را در منطقه‌ی خود نفی ولی وجود آن را در منطقه‌ی دیگر تقسیم شده، می‌دانستند. در بخش آلمان شرقی به موجب بررسی‌های انجام شده، می‌توان به این نتیجه رسید که در دهه‌ی ۶۰ میلادی، همکاری میان کشورهای آلمان شرقی و اعراب باعث به وجود آمدن یک نوع طرز فکر ضداسرائیلی گردید که البته بیشتر از طرف نظام و حکومت نیز پشتیبانی می‌شد. برعکس با وجود آن که دولت آلمان غربی قبول کرد، تمامی خسارت وارد شده به یهودیان را پرداخت کند و پشتیبانی این دولت در صحنه‌ی سیاسی بین‌المللی از منافع یهود و کشور اسرائیل، (از اواخر دهه‌ی ۶۰ میلادی مجدداً تمایلات ضدیهودی بروز کرد تا اوایل

محافظه‌کار دمکرات - مسیحی قدرت را در دست گرفتند.

شهرداری و بخش‌داری با ائتلاف به حزب محافظه‌کار راست‌گرا - مسیحی و حزب

سید مسعود مصلاهی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی